

جادوی پول

آن از نظر اجتماعی کاملاً مقبول و حتی مطلوب بود. همچنین صحبت از طمع، قدرت و قمار برای پول، پذیرفتنی بود. اما این لاف زدن‌ها تنها زمانی پسندیده به نظر می‌رسید که بازار بورس، پُرونق و اقتصاد شکوفا بود. پس از ورشکستگی‌های متعدد در یک قرن گذشته، دیگر بی‌پرده از پول سخن گفتن، زشت، بی‌ربط و به معنای فقدان وجدان اجتماعی بود. البته وضعیت خاص اقتصاد ملی، هر چند باعث خودداری مردم از جست‌وجوی موفقیت‌های شخصی اقتصادی نشد، ولی ناگزیر بر آنها تأثیر گذاشت.

پول به خودی خود فاقد قدرت است، اما زمانی که با معانی ویژه‌ای همراه می‌شود، لبریز از نیرویی خاص می‌گردد. روانشناسان به رفتارهایی علاقمند هستند که در رویارویی با پول رخ می‌دهند. این سؤال که دلیل رفتارهای مردم در مقابل پول چیست و پول چه تأثیری بر روابط انسان‌ها می‌گذارد، موضوع مهمی در روانشناسی پول است.

نظریات روان‌شناختی در زمینه پول انگشت‌شمارند و نظریه‌های روان‌کاوی، نظریه رشد پیاز، نظریه یادگیری رفتار گرابان و به تازگی نظریه‌های جالب روانشناسان اقتصادی، مهمترین نظریات این حوزه هستند. پژوهش‌های رفتارگرایان حاکی از آنند که پول می‌تواند یک تقویت‌کننده شرطی باشد و تنها در این صورت به کالایی با ارزش و معنی‌دار تبدیل می‌شود.

در این زمینه، پژوهش‌هایی بر روی انواع حیوانات صورت گرفته که نشان می‌دهند حیوانات بعد از انجام دادن حرکتی مشخص، ژتونی (مانند میله فلزی، توپ آهنی و یا کارت) دریافت می‌کنند که می‌تواند مانند پول با اشیای مطلوب دیگری مثل غذا تعویض شود. معنای این آزمایش آن است که پول ارزشمند است، زیرا با اشیای مطلوب و گوناگون دیگر قابل معاوضه است، نه چون خود آن دارای ارزش ذاتی است. ■

رؤیای ثروتمند شدن همیشه متداول است و مضمون‌های مختلفی دارد. این تصور که پول امنیت و آزادی آورده و موفقیت صاحب آن را به رخ جامعه می‌کشد، یک جنبه روان‌شناختی پول است که رفتار بشر را دستخوش تغییر و تحول می‌کند. این تصور که ثروت، افراد ناتوان را قدرتمند و دوست داشتنی می‌کند، قدرتی جادویی را به صاحبش می‌بخشد و آرزوی کسب پول بیشتر را در انسان ایجاد می‌کند که این خود ممکن است به رفتارهای افراطی برای کسب ثروت منجر شود.

این نیروی شگفت‌انگیز نهفته در پول است که انگیزه‌ای بسیار قوی برای جست‌وجوی آن خلق می‌کند. جست‌وجوگران طلا، جویندگان شانس و اقبال، نایب‌های امور مالی، سارقان حرفه‌ای، برندگان شرط بندی‌ها و ستارگان سینما، اغلب نمونه‌هایی هستند از آنچه که پول می‌تواند خلق کند. طی یک قرن گذشته، مهاجرت انبوه مردم از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته و یا از حومه و روستا به شهرهای مختلف را می‌توان ناشی از رؤیای یک زندگی جدید با کسب پول بیشتر دانست. این رؤیا است که افراد را بدون هر گونه پیوند فامیلی و خانوادگی مشترک و تنها با هدف جمع‌آوری پول، در کنار یکدیگر قرار داده و در نهایت شبکه‌ها و کانال‌های ارتباطی پُراوازه‌ای را بر اساس روابط تجاری شکل می‌دهد.

"پول خواهی" در آینه تاریخ

در مقاطع مختلف تاریخ، کسب و جست‌وجوی پول به صورت آشکار و افتخار آمیز و البته بی‌رحمانه و به هر قیمت ممکن، به اشکال گوناگون جریان داشته است. در طول دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ کسب پول و صحبت درباره خواستن

حال و احوال صنایع غذایی

در مدیریت، کمیتمان می‌لنگد

دیدگاه آقای بهروز فروتن، بنیان‌گذار گروه صنایع غذایی بهروز، در خصوص وضعیت غذا و کشاورزی در ایران



نگاهی به وضعیت صنایع غذایی ایران در دوران قبل از انقلاب نشان می‌دهد که تعداد این صنایع در کشور اندک بوده است، اما پس از آن و به خصوص از زمان جنگ، نیازهای کشور سبب شدند که صنعت غذا هویت پیدا کند و به همین علت، دوران جنگ را می‌توان زمان تولد صنایع غذایی در کشور دانست. اما در مورد کشاورزی شرایط این گونه نیست. ایران در زمینه صنعت کشاورزی به معنی عام آن، از دیرباز تولیدکننده و صادرکننده بوده است. ضمناً روند تولید همواره در مسیر رشد قرار داشته، به طوری که میزان تولید محصولات کشاورزی از ۲۵ میلیون تن در اوایل انقلاب به حدود یکصد میلیون تن در حال حاضر رسیده است. به علاوه، در چشم انداز ۲۰ ساله، رقم ۳۰۰ میلیون تن جهت تولید محصولات کشاورزی هدف گذاری شده که این رقم کاملاً قابل تحقق به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، با توجه به روند رشد جمعیت، مصرف محصولات کشاورزی در افاق ۱۴۰۴ حدود یکصد میلیون تن خواهد بود که به معنای ۲۰۰ میلیون تن مازاد محصولات کشاورزی در آن مقطع است. این موضوع به دلیل نقش مؤثری که در فرآیند صادرات محصولات کشاورزی دارد اهمیت صنایع کشاورزی و لزوم توجه به آن را آشکار می‌کند.

این رقم در مقایسه با شهرهای توکیو و لس‌آنجلس با جمعیتی معادل جمعیت تهران به ترتیب ۳۰ هزار و ۳ هزار برابر است. حال ببینید که مضاف بر دور ریز نان، چه حجم انبوهی از آب آشامیدنی هم دور ریخته می‌شود. نکته قابل توجه آن است که تمام هزینه‌های مربوط به این دور ریزها را خود مصرف‌کننده پرداخت می‌کند. این معضل در حوزه‌های دیگری چون انرژی، دارو، پوشاک و موارد مشابه دیده می‌شود که لازم به بازنگری می‌باشند. مسلماً اگر میزان مصرف مردم معادل نیازشان باشد، علاوه بر کاهش چشمگیر حجم دور ریز، قیمت‌ها هم به دلیل کاهش تقاضای کاذب، کم خواهند شد.

در رکود صنایع غذایی در کشور، عوامل متعددی دخیل هستند که اولین عامل و شاید مهمترین آن، به فقدان نظام کشت بازمی‌گردد. یعنی تولیدکننده نمی‌داند که در طول سال، کدام محصول و چه مقدار از آن را باید کشت کند. عامل دوم، نبود تضمین قیمت

می‌توانیم بازارهای گسترده‌ای را در نواحی مسلمان نشین همسایه پیدا کنیم. از سوی دیگر، هنوز از دو سوم نواحی قابل کشت ایران استفاده نشده که نشان دهنده ظرفیت‌های بالقوه فراوان در این حوزه است. این ظرفیت‌ها باید از طریق تدوین نظام کشت مناسب برای تولید محصول و همچنین تضمین قیمتی محصولات تولیدی کشاورزان به منظور ایجاد انگیزه در آنها، به فعلیت رسیده و شکوفا شوند.

قابل ذکر است که این موارد در شرایط تحریم اقتصادی کشورمان بیش از گذشته خودنمایی می‌کنند. البته ایران طی ۳۱ سال گذشته دائماً با تحریم و شرایط سخت مواجه بوده و این موضوع جدیدی نیست. در واقع، به دلیل وجود خود اتکایی در بخش کشاورزی، تحریم‌ها نتوانسته‌اند خلل زیادی در فعالیت‌های این بخش ایجاد کنند. گواه این امر هم همان طور که آمارها نشان می‌دهند، شکوفایی و تولد صنایع غذایی ایران در دوران جنگ است. برای مثال، تا قبل از سال ۵۷ کل واحدهای تولیدی صنایع غذایی در کشور ۳۰۰ واحد بودند که الان به بیش از ۱۰ هزار واحد رسیده‌اند و مسلماً با تلاش بیشتر، این پیشرفت‌ها ادامه خواهند یافت. اما باید حواسمان را بیش از اینها جمع کنیم تا حداکثر استفاده را از شرایط موجود ببریم. ■

محصولات است، به این معنی که قیمت خرید و فروش در کوتاه مدت و بلند مدت مشخص نیست و کشاورزان بر اساس حدس و گمان خود، هر سال به تولید یک محصول خاص مبادرت می‌ورزند. عامل سوم، ضعف سیستم‌های بسته بندی است که بعضاً باعث می‌شود محصولات روی دست کشاورزان بمانند.

نکته قابل توجه دیگر آن است که در جوامع مترقی، صنایع کشاورزی زیر نظر یک سازمان اداره می‌شوند. اما در ایران وزارت صنایع، وزارت کشاورزی و وزارت بازرگانی در کنار نهادهای فرعی دیگر، در امور مربوط به کشاورزی دخیل بوده و گاهی موازی کاری‌هایی هم صورت می‌گیرد؛ در حالی که مرجع قانون گذاری در این زمینه باید تنها یک نهاد باشد.

فرصت‌های صادراتی

متأسفانه علیرغم امکانات و نعمت‌های فراوان، کشورمان در حوزه مدیریت عملکرد ضعیفی دارد. همان طور که پیش‌تر گفته شد، ایران در پایان چشم انداز ۲۰ ساله، ۲۰۰ میلیون تن مازاد محصولات کشاورزی خواهد داشت که این رقم، می‌تواند کل نیاز اروپا را تأمین کند. حتی اگر در اروپا هم برای این محصولات بازار نداشته باشیم، به عنوان یک کشور مسلمان،

آسیای میانه، استراتژی آمریکا و پتانسیل ایران

چهار راه قفقاز

نگاه دکتر میرقاسم مؤمنی، مدیر عامل مؤسسه پژوهش و مطالعات بین‌المللی چشم‌انداز ابرار نوین

و آذربایجان وجود دارند که شامل آبخازستان، آجارسن، اوستیای جنوبی (در گرجستان) و قره باغ (در آذربایجان) می‌شوند. همچنین نخجوان به عنوان سرزمین برون بوم و جزو کشور آذربایجان محسوب می‌شود.

امروزه منطقه قفقاز به عنوان شاهراه انتقال نفت و گاز منطقه آسیای میانه و قفقاز به جهان تغییر موقعیت داده است. خط لوله باکو-تفلیس-جیحون و همچنین احداث خط لوله انرژی ترکمنستان از بستر دریای خزر برای اتصال به خط باکو-تفلیس-جیحون و برنامه‌های دیگری که در حال تبدیل کردن منطقه قفقاز جنوبی به محل تولید و صدور بخشی از انرژی مورد نیاز جهان می‌باشند، اهمیت این منطقه را دو چندان کرده‌اند.

کشورهای آمریکا و روسیه از دو نظر امنیتی و اقتصادی به منطقه قفقاز جنوبی می‌نگرند و در تسلط بر این منطقه رقابت تنگاتنگی دارند. به همین دلیل، ادامه بحران قره باغ و فشارها به ارمنستان و آذربایجان از سوی آمریکا و روسیه در راستای اخذ امتیازهای امنیتی و اقتصادی تفسیر می‌شوند. لذا فشار غرب به روسیه جهت خروج از گرجستان و هدایت انقلاب مخملی و جنگ روسیه با گرجستان و زمینه سازی جدایی آبخازها از گرجستان توسط روسیه از رقابت سخت بین روسیه و آمریکا حکایت دارد.

به نظر می‌رسد جای ایران به عنوان تنها کشوری که صلاحیت حضور و اعمال نظر در منازعات و ترتیبات امنیتی منطقه را دارد، در این میان خالی است و در این بازی شطرنج، مهره ایران موجود نیست. یک چیز مسلم است و آن این که آمریکا و روسیه در یک مورد با هم تفاهم دارند و آن دور نگه داشتن ایران از مسایل قفقاز است. این امر در بلند مدت می‌تواند موقعیت ایران را در منافع و یا دفع تهدیدات احتمالی تضعیف نماید. با عنایت به بسترهای فرهنگ ایرانی که در این منطقه حاکم است، ایران می‌تواند با استفاده از این مسأله، هژمونی خود را در منطقه مجدداً احیا نماید. ■

قفقاز به عنوان قلب اوراسیا در طول تاریخ اهمیت ویژه‌ای داشته است. این منطقه شاهد جنگ‌ها و منازعاتی بوده که سرنوشت خیلی از حکمرانان و کشورها را دچار تغییر کرده است. در دوره معاصر، جنگ قره باغ کوهستانی بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان و جنگ آبخازها بین گرجستان و روسیه، نمونه‌های بارز این منازعات هستند.

در دوره جنگ سرد، قفقاز محل تلاقی دو پیمان نظامی عمده جهان یعنی ناتو و ورشو بود. در واقع، قفقاز منطقه‌ای بود میان این دو پیمان نظامی. این وضعیت را در دوره پس از شوروی به گونه دیگری می‌توان مشاهده کرد. روسیه در پی حفظ و تحکیم نفوذ خود در قفقاز جنوبی فعال است و ناتو در پی فروپاشی شوروی در تلاش برای گسترش به شرق و فشار آوردن هر چه بیشتر به روسیه، در قفقاز فعال گردیده است. علاوه بر موارد فوق، قفقاز از منظر نظریه‌های ژئوپلیتیک دارای اهمیت زیادی است و از جمله مناطقی است که جزوی از هارتلند اوراسیا (نظریه مکیندر) به شمار می‌روند.

قفقاز چهار راه مهم جغرافیایی است که سرزمین‌های شمالی روسیه را به جنوب و آسیا و اروپا را به آسیای مرکزی در شرق متصل می‌کند. قفقاز راه ترانزیت بسیار ایده‌آلی برای انتقال کالا، پول، مسافر و اندیشه‌ها است - و یا باید باشد. قفقاز برای شرکت‌های تولید و تأمین انرژی عمده، مسیر خروجی نفت و گاز اطراف دریای خزر محسوب می‌گردد. با در نظر داشتن این مسایل و همچنین حجم ذخایر نفت و گاز خزر و مسیرهای انتقال آن، اهمیت این منطقه بیش از پیش فزونی می‌یابد.

شاهراه جنگ و قدرت

بسیاری از اختلاف‌ها و کشمکش‌های کنونی در قفقاز، ریشه در نوع تقسیمات ارضی بین اقوام و ملیت‌های مختلف توسط زمامداران سابق دارند. اختلافات ارضی در قفقاز، زمینه ساز بسیاری از درگیری‌ها بوده و با توجه به عدم حل و فصل قطعی آنها، این مشکلات می‌توانند منشأ درگیری‌های مختلفی در آینده باشند.

قفقاز جنوبی را عمده‌تاً با سه جمهوری مستقل آذربایجان، ارمنستان و گرجستان می‌شناسند، ولی واحدهای اداری-سیاسی دیگری هم در بطن دو جمهوری گرجستان

